Islam and Health Journal
Babol University of Medical Sciences

دانشگاه علوم پزشکی بابل، نشریه اسلام و سلامت
دوره اول، شماره سوم، پاییز ۹۳، صفحه: ۶۰-۵۰

همسان همسری از دیدگاه روانشناسی و مقایسه آن با مفهوم کفویت در فقه

دریافت مقاله: ۹۳/۶/۲ پذیرش مقاله: ۹۳/۹/۲۸

سیده سمیه هاشمی‌نژاد (MA)*
علی فقیهی (PhD)[۱]
سید حمزه حسینی (PhD)[۲]
سید محمود سخایی (PhD)[۳]

۱. گروه الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی بابل، بابل، ایران
۲. گروه روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران
۳. گروه مهندسی پزشکی، دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، بابل، ایران

*نویسنده مسئول: سیده سمیه هاشمی‌نژاد

تلفن: ۳۲۳۳۹۲۱۴ ۱۱ ۹۸+
فاکس: ۳۲۳۳۹۲۱۴ ۱۱ ۹۸+
Email: somayeh09460@gmail.com

چکیده

سابقه و هدف: ازدواج، مرحله‌ای مهم و حساس در رسیدن انسان‌ها به صورت فردی و جمعی به سوی کمال است. همسان همسری یک ویژگی مورد تاکید در همسرگزینی، مشترک در روانشناسی و علم فقه است. هدف از این مقاله، بررسی جایگاه همسان همسری در فقه و مقایسه آن با علم روانشناسی است.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر مبتنی بر روش تحلیلی اسنادی است و با مراجعه به مستندات دینی و علمی از جمله کتب فقهی و مقالات علمی منتشره، موضوع تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یافته ها: مطالعات نشان می‌دهد همسان همسری یک نظریه مورد قبول در میان روانشناسان در همسرگزینی است. همسانی دینی در میان سایر جنبه‌های همسانی بیشتر مورد توجه است. از طرف دیگر، کفویت فقهی تا حد زیادی با مفهوم همسان همسری مورد تایید روانشناسان همخوانی دارد و فقه، ازدواج را در صورت برآورده نشدن شرط کفویت دینی، منع کرده است.

نتیجه گیری: مقایسه بین نظرات روانشناسی و مفهوم کفائت فقهی نشان می‌دهد که اولاً مطالعات روانشناسان نیز اهمیت کفویت، مخصوصاً کفویت ایمانی را مورد تایید قرار می‌دهد و آثار مفیدی برای آن ذکر می‌کند. ثانیاً فقهای امامیه، با اولویت‌بندی معیارهای انتخاب همسر، بیان می‌کنند که از برخی معیارها می‌توان چشم‌پوشی کرد مشروط به اینکه معیارهای اصلی تحقق یافته باشد، در حالی که این نوع اولویت بندی در مطالعات روانشناسان مشاهده نمی‌شود.

واژگان کلیدی: ازدواج، همسرگزینی، همسان همسری، کفائت، رضایت زناشویی، روانشناسی

مقدمه

انتخاب همسر مرحله‌ای مهم و سرنوشت‌ساز در تحقق ازدواج موفق محسوب می‌شود. با توجه به اهمیت و نقش ازدواج موفق در بهداشت و سلامت روان فرد و جامعه و ثبات و پایداری خانواده، روانشناسان و جامعه‌شناسان مطالعات زیادی در زمینه همسرگزینی، شرایط همسر مناسب، پیامدهای ازدواج موفق و تاثیر آن در تربیت فرزندان و بهبود شرایط اجتماعی انجام داده‌اند. از طرف دیگر، اسلام در راستای تامین سعادت انسان، در خصوص موضوع انتخاب همسر معیارهای متعددی را ارائه کرده که می‌تواند زمینه‌ساز تاسیس خانواده مطلوب گردد. معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام در قالب ۶ دسته کلی دینداری و ایمان، ارزش‌های اخلاقی، خصوصیات جسمی، صلاحیت خانوادگی، خصوصیات اقتصادی و ویژگی‌های اجتماعی قابل بررسی است. بنابراین، بررسی و مقایسه تطبیقی نظرات روانشناسان با احکام و توصیه‌های فقهی در زمینه انتخاب همسر می‌تواند نتایج و آثار خوبی در تدوین راهنما و الگوی همسرگزینی و کاهش مشکلات بعد از ازدواج داشته باشد.

مواد و روش ها

پژوهش حاضر مبتنی بر روش تحلیلی اسنادی است و با مراجعه به مستندات دینی از جمله کتب فقهی، تفسیری و حدیثی و مقالات علمی منتشره و پایان‌نامه‌های دانشجویی قابل دسترسی از طریق پایگاه‌های علمی داخلی و بین‌المللی، موضوع تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته ها

الف. همسانی زوجین در روانشناسی: با توجه به اهمیت و نقش ازدواج موفق در بهداشت و سلامت روان فرد و جامعه، روانشناسان و جامعه‌شناسان مطالعات زیادی در زمینه همسرگزینی، شرایط همسر مناسب، پیامدهای ازدواج موفق و تاثیر آن در تربیت فرزندان و بهبود شرایط اجتماعی انجام داده‌اند. در این بخش، به بیان اهمیت همسانی (یا همشانی) زوجین در ایفای نقش هرکدام از زوجین در خانواده با تاکید بر مطالعات تجربی خواهیم پرداخت. یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در همسرگزینی، همسان همسری است. از لحاظ نظری هر مرد و زنی می‌توانند با یکدیگر وصلت کنند، با این همه، فرآیند گزینش همسر کاملاً اختیاری نیست و زندگی اجتماعی بی‌سامان نیست. فرد از گروه خود تأثیر می‌پذیرد و به محض آنکه بخواهد خود را از این تأثیر برهاند با دشواری‌های گوناگون رو به رو می‌شود. عواملی که بر ابتکار و نوآوری فرد اثر می‌گذارند، بسیارند و دقیقاً همین عامل‌ها هستند که وی را به سوی ازدواج همسان می‌رانند. همسان همسری، همان قانون شباهت است و

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-16]

بیان می‌کند که افراد مایلند همسرانی انتخاب کنند که با خودشان از نظر ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و روانی مشابه باشند. همسانی میان دو فرد نه تنها آنان را به سوی یکدیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوارتر می‌سازد. همه‌ی نظام‌های همسرگزینی به ازدواج همسان تمایل دارند و این خود نتیجه‌ی تمایل به معامله‌گری است (۱). شباهت بین دو فرد، ثابت شده است که عامل کشش و سبب ایجاد صمیمیت بین آن دو می‌گردد. بر اساس این فرض زمینه‌ای مهم که افراد با مشخصه‌های مشابه (مانند ارزش‌ها، هنجارها، باورها و تجربیات) بسیار ساده‌تر می‌توانند با هم هماهنگ شوند، همسان همسری (شباهت بین دو همسر) همواره مورد تشویق بوده است. بر اساس مطالعات Esterberg و همکاران (۱)، شباهت یک امر حیاتی در ازدواج است و وجود توافق و بینش مشترک، سبب کاهش منازعات و در نتیجه افزایش جاذبه بین همسران، پایداری ازدواج و توانایی در حل و رفع منازعات می‌شود. به عبارت دیگر، همسانی، هماهنگی و موفقیت زناشویی را بیشتر می‌کند و ناهمسانی، ناسازگاری و ناخشنودی را در پی دارد.

Adler و همکاران (۲) بر این مطلب اشاره دارند که افراد معمولاً کسانی را دوست دارند که شبیه خودشان باشند. آنها اضافه می کنند که این امر نباید عجیب به نظر بیاید، زیرا یکی از اولین گام‌ها جهت کسب اطلاعات و آگاهی‌های موثر، بررسی علائق و تجربیات مشترک و سایر عواملی است که ما در آن به نوعی شریک هستیم. وقتی شباهت‌ها را ادراک می‌کنیم گویی نیروی جاذبه‌ای ما را به سوی افرادی می‌کشد که شبیه ما هستند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هنگامی که درصد بالایی از عقاید ما به دیگران شباهت داشته باشد، جاذبه ارتباطات افزایش می‌یابد مانند زوج‌هایی که در رابطه با اهداف زندگیشان (دوستان مشترک، اعتقادات مشابه در مورد حقوق انسان‌ها و ...) یکدیگر را تأیید می‌کنند و در مورد عقاید کلیدی، شباهت کافی با یکدیگر دارند و می‌توانند از بروز اختلاف نظرهای جدی در مورد موضوعات، جان سالم به در برند.

همسان همسری را می‌توان قانون انتخاب همسر دانست. به این معنی که اگر یک نمونه تصادفی از یک جامعه را انتخاب کنیم، می‌بینیم که اولاً بسیار کم رخ می‌دهد که گروه‌های خاصی از مردان و زنان با مشخصه‌های معین، با زنان و مردان با مشخصه‌های دیگر ازدواج کنند. به‌علاوه، مردان با یک ویژگی شخصی خاص بیشتر مجذوب زنان با همان ویژگی می‌شوند. با اندازه‌گیری میزان همبستگی ویژگی خاص بین زن و شوهر می‌توان میزان همسانی را تعیین کرد. بنابراین همسان همسری، یک قانون طبیعی است و به عبارت معروف: کبوتر با کبوتر، باز با باز (۳). همسانی در ازدواج برای ویژگی‌های شخصیتی فراوانی شامل ویژگی‌های جسمانی، روانی و شناختی معتبر است. جامعه‌شناسان مهم‌ترین جنبه‌های همسانی را به صورت زیر بر شمرده‌اند:

۱. همسانی جغرافیایی که وابستگی انتخاب همسر را جغرافیای محل سکونت توضیح می‌دهد. ۲.همسانی جسمانی که تاثیر ویژگی‌های سن، زیبایی و تناسب قد و هیکل زوج‌ها را بیان می‌کند. ۳. همسانی اجتماعی که به همگونی منزلت اجتماعی همسران اشاره دارد. ۴. همسانی تحصیلی که میزان همگونی و تطابق سطح تحصیلات همسران است. ۵. همسانی از نظر امور ذهنی و معنوی که شامل سطح هوشی، تیپ شخصیتی، باورهای دینی و ... می‌شود.

ب. آثار ازدواج‌های همسان از نظر روانشناسان: یکی از آثار مهم ازدواج‌های همسان، افزایش رضایت زناشویی در بین همسران همسان است. رضایت زناشویی یک عامل مهم در سلامت روان و نشاط افراد است. بر طبق تعریف، رضایت زناشویی حالتی است که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند (۴). Winch و همکاران او معتقدند که رضایت زناشویی انطباق بین وضعیت موجود و وضعیت مورد انتظار است. طبق این تعریف رضایت زناشویی زمانی محقق می‌گردد که وضعیت موجود در روابط زناشویی با وضعیت مورد انتظار فرد منطبق باشد. همچنین Ellis بیان می‌کند که رضایت زناشویی احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسّط زن یا شوهر است هنگامی که همه جنبه‌های ازدواجشان را در نظر می‌گیرند (۵). علی رغم تغییرات وسیع مفهوم خانواده و باز شدن جوامع، که شانس همسرگزینی ناهمسان را زیاد می‌کند، همسان همسری کماکان یک عامل قدرتمند در ازدواج است و سبب کاهش سطح اضطراب در همسران می‌شود، به علاوه، همسانی در طول زندگی زوجین که نگرش‌های سیاسی- اجتماعی آنها به هم نزدیک‌تر می‌شود، افزایش می‌یابد (۶).

مطالعات متعددی از جمله توسط Grames و همکاران (۷) شواهدی از اثرات رضایت از زناشویی را در بیماری های روانی و افسردگی نشان داده‌اند. آنها ۶۳۲ فرد متاهل را به صورت تصادفی از سراسر امریکا انتخاب کردند که ۲۷۵ نفر مرد و ۳۵۷ نفر زن با متوسط سن ۴۳/۷ سال بودند. برای بررسی کلی میزان سلامت جسمانی، دو پرسش مورد استفاده قرار گرفت. پرسش اول به این صورت بود: در مقایسه با افراد همسن و سال خود، میزان سلامت جسمانی خود را چقدر می دانید؟ شنوندگان مجبور بودند پاسخ خود را به صورت یکی از چهار گزینه عالی، خوب، متوسط و ضعیف ارائه دهند. پرسش دوم در مورد شرایط جسمانی، انتخاب یک بیماری یا درد از میان یک لیست شامل ۲۱ عنوان بیماری و یا ناراحتی جسمانی بود که دیابت، الکلیسم و مشکلات قلبی می‌شد و البته می‌توانستند اگر بیماری دیگری دارند، خودشان به لیست اضافه کنند. برای ارزیابی سلامت روانی، از افراد تحت بررسی خواسته شد که سه مقیاس Scale) RDAS ،(Relational Ethics Scale) RES (Revised Dyadic Adjustment و Scale) CES-D (Center for Studies Depression را تکمیل کنند که به ترتیب برای ارزیابی سلامت روابط، سازگاری متقابل و میزان افسردگی استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد افراد دارای رضایت زناشویی بالاتر، به میزان قابل ملاحظه‌ای، افسردگی کمتر و مشکلات سلامت جسمی کمتری داشتند. Hagedoorn و همکاران (۸) نشان دادند بیماران سرطانی با میزان رضایت زناشویی بالاتر در مقایسه با بیماران با رضایت زناشویی کمتر، احساسات منفی کمتری در مورد مسائل دوره درمان و سختی‌های آن داشتند. مزایای رضایت زناشویی منحصر به افراد بیمار نیست و همه افراد را شامل می‌شود. مقالات زیادی نشان داده‌اند که با افزایش میزان رضایت زناشویی، خشونت‌های خانوادگی نیز کاهش می‌یابد.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-16]

در مطالعه دیگری نشان داده شد که رضایت زناشویی در میزان رضایت و شادی بعد از تولد اولین فرزند و بروز سختی نیز موثر است، به گونه‌ای که همسرانی که پیش از تولد اولین فرزند، از رضایت زناشویی بالاتری برخوردار بودند، بعد از آمدن فرزند رضایت بیشتری داشته‌اند (۹). به صورت مکرر نشان داده شده است که نوع خاصی از همسانی، یعنی همسانی دینی در ازدواج سودمند است و مخصوصاً در ایجاد حس رضایت زناشویی تاثیر مستقیم دارد. همسانی دینی به صورت شباهت در نگرش و باورها در مورد تجربیات دینی مشخص تعریف می‌شود (۱۰). افراد مومن به یک دین یا مذهب، همسان دینی در نظر گرفته می‌شوند و افراد دارای مذاهب متفاوت، ناهمسان دینی هستند.

یکی از اولین تحقیقات در زمینه همسان همسری دینی و رضایت زناشویی توسط Glenn در سال ۱۹۸۲ انجام شد (۱۱). در این تحقیق، او اطلاعات جمع آوری شده از زوج هایی که در ایالت های مختلف آمریکا و از ۶ ملیت بوده‌اند و در فاصله سال های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸ با هم ازدواج کرده‌اند، مورد بررسی قرار داد. برای هر یک از این ۶ سال، او با ۱۵۰۰ نفر به صورت رو در رو مصاحبه کرد که از ۴۸ ایالت آمریکا و دارای سن ۱۸ و بیشتر بودند. مصاحبه شوندگان از نظر مذهبی به چهار گروه پروتستان، کاتولیک، یهودی، ادیان دیگر و بدون دین دسته بندی شدند. رضایت زناشویی با پرسش در مورد میزان خوشبختی آنها در ازدواج و انتخاب یکی از سه وضعیت انجام شد. پرسش به این شکل بود: با ملاحظه همه شرایط، شما ازدواجتان را چگونه توصیف می‌کنید: خیلی خوشبخت، خوشبخت، نه چندان خوشبخت. با بررسی نتایج او دریافت که مردان در ازدواج همسان دینی نسبت به ازدواج ناهمسان، رضایتمندی بیشتری از زندگی دارند. این نتایج در میان مذاهب مختلف مورد مطالعه (پروتستان، یهودی و کاتولیک) تفاوت معنی‌داری را نشان نمی داد. بنابراین او نتیجه‌گیری کرد که همسانی دینی یک عامل موثر در میزان رضایتمندی از زندگی در میان مردان است. البته او نتوانست اختلاف معنی‌داری در میزان رضایتمندی در میان زنان در ازدواج همسان دینی و ناهمسان پیدا کند. او این مشاهده را اینگونه توجیه کرد که زنان از اینکه می‌دانند فرزندانشان دین مادرشان را انتخاب خواهند کرد، چندان اهمیتی به دین شوهر خود نمی دهند.

در سال ۱۹۸۴، Heaton مطالعه مجددی روی همان داده‌هایی که Glenn بررسی کرده بود، همراه با داده‌های جدیدی که در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ جمع‌آوری شده بود، انجام داد. در این تحقیق، ادیان در قالب های کاتولیک، ۶ فرقه پروتستانی (Episcopalian, Baptist, Methodist, Lutheran, Presbyterian, و سایر فرقه‌های پروتستانی)، یهودی و بی‌دین دسته‌بندی شدند. مانند تحقیق قبلی، رضایت از زندگی با پرسش از مخاطبان سنجیده شد. این تحقیق نیز تایید کرد که همسران (مردان و زنان) در ازدواج های همسان دینی، رضایت بیشتری از ازدواج در مقایسه با همسران با دو دین متفاوت دارند. البته او نیز نشان داد که این اختلاف در میزان رضایت از زندگی، در مردان بیش از زنان است. او همچنین برای بررسی نظر Glenn در مورد تاثیر فرزندان بر میزان رضایت زنان، مطالعه را در میان زنان دارای فرزند و زنان بدون فرزند انجام داد و نشان داد ارتباطی بین میزان رضایت از زندگی و تعداد فرزندان وجود ندارد. نتیجه آنکه بین همسانی دینی و رضایت زناشویی ارتباط مستقیمی وجود دارد و دلیل آن، به وجود فرزندان مربوط نمی‌شود (۱۰). در تحقیق دیگری (۱۲)، مطالعه‌ای روی ۱۰۷۰ زن و شوهر کاتولیک و پروتستان (۲۷۶ نفر کاتولیک و ۷۹۴ نفر پروتستان) که در سال ۱۹۸۱ در ایالت نبراسکا امریکا ازدواج کردند، انجام شد و در آن، آزمون شوندگان به ۶ فرقه به صورت (Baptist, Calvinist, Catholic (Methodist, fundamentalist, Lutheran, دسته‌بندی شده‌اند. بررسی رضایت زناشویی در بین آنها، نشان داد که هرچه فاصله مذهبی بین همسران (درجه ناهمسانی مذهبی) بیشتر باشد، نارضایتی زناشویی نیز بیشتر خواهد بود. به عنوان مثال، رضایت زناشویی در حالتی که هر دوی زن و شوهر، دارای مذهب Lutheran باشند بیشتر از حالتی است که تنها یکی از آنها مذهب Lutheran داشته باشد. به این ترتیب، این تحقیق ثابت می‌کند که هرچه اشتراکات مذهبی زوجین بیشتر باشد، رضایت زناشویی نیز بالاتر است.

مطالعه دیگری در سال ۱۹۹۰ توسط Heaton و همکاران انجام شد (۱۳). این مطالعه بر روی ۵۸۸۲ نفر از افراد متاهل انجام شد و رضایت زناشویی با پرسشی همانند پرسش Glen مورد بررسی قرار گرفت که البته در آن، مصاحبه‌شوندگان می‌توانستند پاسخ خود را در هفت درجه، از خیلی ناراضی "۱" تا خیلی راضی "۷" انتخاب کنند. همچنین در مطالعه آنها، همسانی دینی در سه سطح دسته‌بندی شد: تعلق خاطر گروهی (یعنی خود را در گروه خاصی از ادیان، قرار دادن و خطاب کردن)، که اکثر مطالعات به این نوع دینداری توجه کرده‌اند، ملتزم بودن به مراسم کلیسا و اعتقاد به کتاب مقدس. نتایج این تحقیق نشان داد که تعلق خاطر گروهی، نقش حیاتی در رضایت از زناشویی دارد و ملتزم بودن به کلیسا تاثیر کمتر و اعتقاد به کتاب مقدس تقریباً بی‌تاثیر است. لازم به ذکر است که این تحقیق تنها فرقه‌های مختلف پروتستان و کاتولیک را مورد بررسی قرار داده است.

Lehrer و همکاران (۱۴) در سال ۱۹۹۳ تحقیق دیگری انجام دادند و ضمن تایید نتایج Heaton و همکاران، پایداری و ثبات زندگی زناشویی را مورد اندازه گیری قرار دادند. این اندازه‌گیری با پرسش در مورد میزان احتمال جدایی و طلاق از مصاحبه شوندگان انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد زوج‌های ناهمسان بیش از زوج‌های همسان، شانس طلاق را برای خود قائلند. همچنین تفاوت معنی‌داری بین ثبات ازدواج در ادیان مختلف مشاهده نشد. به علاوه، ازدواج بین دو فرد بی‌دین، کمترین ثبات را نشان داد. در سال ۲۰۰۶، Rinelli بررسی بیشتری روی داده‌های Lehrer و همکاران انجام داد (۱۵) و یافته‌های قبلی را تایید کرد. به‌علاوه، او روابط شاد را در کنار خشونت‌های فیزیکی مورد توجه قرار داد. یافته‌های او نشان داد که همسانی دینی نه تنها سبب افزایش شادی در روابط زناشویی می‌شود، بلکه میزان خشونت‌های فیزیکی را کاهش می‌دهد. به این ترتیب، بار دیگر، تاثیر مثبت همسانی دینی در رضایتمندی زناشویی مورد تایید قرار گرفت. مطالعه دیگری که در سال ۲۰۰۷ روی ۲۰۰ زوج در ایالت تگزاس انجام شد (۱۶)، با تقسیم‌بندی دینداری به چهار سطح: ایمان به روز حساب، نزدیکی به خداوند، مزایای همرنگی با جماعت

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-16]

و عفو و گذشت، نتیجه‌گیری شد که عدم تطابق در سطوح دینداری سبب افزایش خشونت خانوادگی می‌شود. در تحقیق دیگری، ارتباط ناهمسانی دینی و تاسازگاری زناشویی مورد توجه قرار گرفت (۱۷). این تحقیق نیز رابطه مثبت بین ناهمسانی دینی و ناسازگاری زناشویی را مورد تایید قرار داد. به علاوه، یافته‌ها نشان داد که بین ازدواج‌های ناهمسان و فرزندان بزهکار نیز رابطه مستقیمی وجود دارد. فرزندان ازدواج‌های ناهمسان، سه برابر بیش از سایرین به کشیدن ماری جوانا رو می‌آورند و این فرزندان، دو برابر فرزندان زوج های همسان دینی مبتلا به استفاده از مشروبات در سنین پایین هستند.

به عقیده Legall، تا پیش از ازدواج، مذهب بر رفتار جوانان مؤثر است، لیکن پس از زناشویی، ناباوری‌های دینی یکی از طرفین دشواری‌های فراوانی برای آنها فراهم می‌کند و باعث ایجاد بگومگوهای دائمی می‌گردد. Hollingshead نیز می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین عواملی که هنگام انتخاب همسر بر تصمیم فرد و جامعه اثر می‌نهد، اعتقاد دینی است» (۱). Sullivan (۱۸) در مطالعه‌ای درزمینهٔ نقش مذهب و ازدواج در دانشگاه‌های کالیفرنیا نتیجه گرفت که باورهای مذهبی برخلاف سایر ملاک‌های زودگذر، اثر طولانی‌تری در تحکیم روابط زناشویی دارد. نتایج تحقیقات مختلف، نشان می‌دهد که تشابه نظام ارزشی زن و شوهر اثر معنی داری بر سال‌های بعدی زندگی زناشویی آنان دارد. محققان مختلفی بر اساس یافته‌های پژوهشی خود به این نتیجه رسیدند که شباهت زوجین ازنظر باورها، اعتقادات و به ویژه اعتقادات مذهبی تأثیر مثبت بر رضامندی و سازگاری زناشویی آنها دارد (۲۰و۱۹).

مطالعه دیگری در سال ۲۰۱۲ در کشور چین (هنگ کنگ) به بررسی رابطه همسانی دینی در میان زوج‌های مسیحی چینی و وجود روابط صمیمی بین آنها پرداخت (۲۱). مطالعه بر روی ۳۵۲ زوج‌های همسان دینی، نشان داد که رضایتمندی بالا در میان همسران با همسانی دینی وجود دارد و روابط مثبت، به طور خاص ناشی از همسانی دینی است. به‌علاوه، هر چه همسران از نظر دینی و اعتقادی به هم نزدیک‌تر باشند، رضایتمندی بیشتری از روابط با هم دارند. همچنین همسانی دینی بین زن و مرد، کیفیت زندگی بالاتری را برای زندگی مشترکشان پیش‌بینی می‌کند. Myers و همکاران (۲۲) ارتباط بین همسانی دینی و کیفیت زندگی را در طول فاصله زمانی ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۷ مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که همانند نسل‌های قبلی، در نسل مورد مطالعه نیز بین همسانی دینی و کیفیت زندگی، رابطه مستقیمی وجود دارد. این نتیجه در تحقیق دیگری که در سال ۲۰۱۳ نیز انجام شد مورد تایید قرار گرفت (۲۳). همسانی دینی می‌تواند زمینه فعالیت مشترک دینی را فراهم کند و این امر به نوبه خود سبب بهبود کیفیت روابط زناشویی می‌گردد (۲۴). مطالعات دیگری در زمینه سایر جنبه‌های همسانی در ازدواج و آثار آن انجام شده است. در مطالعات متعددی نشان داده شده است که همسانی در ازدواج عامل افزایش پایداری ازدواج است (۲۷-۲۵). همسانی از نظر سن نیز مورد توجه روانشناسان و جامعه‌شناسان است و مطالعات نشان می‌دهد وقتی که مرد چندین سال بیش از زن سن داشته باشد یا وقتی که، زن پیرتر از مرد است، احتمال ناپایداری ازدواج بیشتر می‌شود (۲۸). به عقیده Bumpass، این اختلاف سنی ممکن است در میزان توافق بین زوجین تاثیر بگذارد و سبب بر هم خوردن توازن قوا شود. Teachman (۲۹) نشان داد که بیشترین ازدواج پایدار، آنهایی هستند که مرد یک تا سه سال از زن بزرگ تر است. همسانی آثار اجتماعی نیز در پی دارد. در مطالعه‌ای که بر روی ۶۷۰۶۳۱ زوج آمریکایی انجام شد تاثیر همسانی تحصیلی در فرزندآوری بررسی شد و نشان داده شد که نسبت افراد بدون بچه در زنانی که با شوهر همسان تحصیلی ازدواج کرده‌اند، حداقل است همچنین همسانی تحصیلی با متوسط سن پایین‌تر در نخستین ازدواج همبستگی مستقیم دارد. نتیجه گرفته شد که همسانی تحصیلی شانس شکست در زاد و ولد را کاهش می‌دهد (۳۰).

ج. کفائت در نکاح از منظر فقهی: کفائت و کفو بودن به معنای مثل و شبیه بودن نیست؛ بلکه به معنای متناسب بودن است که گاهی این تناسب در شبیه بودن، گاهی در هم جهت بودن و گاهی در مکمل بودن است (۳۱). کفائت در نکاح، از جمله مسائلی است که در مباحث و کتب فقهی فقهای شیعه و سنی همواره مطرح بوده و باب ویژه‌ای را نیز به خود اختصاص داده است. این امر ناشی از ثمرات فقهی متعددی است که بر طرح و بررسی این مسئله و تبیین آن مترتب است. این موضوع، خود، بیانگر اهمیت و ضرورت پرداختن به آن است. مبحث کفائت در دو باب از ابواب فقهی مطرح شده است؛ یکی در باب قصاص و دیگری در باب نکاح و در باب نکاح نیز در چند جای مختلف از مباحث نکاح، مطرح شده و در هر محل نیز دارای معنای متفاوتی است.

اولین محل آن، کفائت به عنوان شرط صحت نکاح است. در این مبحث بیان می شود که شرط کفائت، برابری زوجین در اسلام و مسلمان بودن آن دو (در مقابل کافر غیر کتابی بودن آن دو) به اجماع همه فقهای امامیه و نیز برابری در ایمان به معنای اخص آن، یعنی شیعه دوازده امامی بودن، به عقیده برخی فقهای امامیه است. محل دومی که در آن از کفائت در باب نکاح بحث می‌شود، کفائت به عنوان مشخصات زوج مناسب است. در این معنا از کفائت، شرع به بیان ملاک‌هایی می‌پردازد که وجود آنها در افراد، موجب اطلاق واژه زوج مناسب یا کفو به ایشان می‌گردد. بدیهی است که در کفائت به این معنا هدف صرفاً بیان این امر است که برای انتخاب همسر مطلوب چه ملاک‌هایی را باید مورد توجه قرار داد. لذا کسی که به این معیارها توجه نکند، تنها توصیه‌های شرع را نادیده گرفته و تبعاً به ضرر خود عمل نموده است. پس رعایت کفائت به این معنا در زوجین، نه موجب بطلان نکاح می‌شود و نه برای کسی ایجاد حق فسخ می کند. از جمله صفاتی که در این معنا از کفائت به رعایت آنها اشاره شده است، ایمان، تدین، اخلاق پسندیده، عقل و فهم سالم، شرافت خانوادگی و شیعه دوازده امامی بودن را می‌توان نام برد. سومین و آخرین محل، کفائت در باب شرط سقوط ولایت ولی است. فقهای شیعه در این امر اختلاف دارند که آیا پدر و جد پدری در نکاح بر بالغه رشیده ولایت دارند یا خیر. اقوال فقها در این زمینه متفاوت است. اما در هر حال، بیان می کنند که اگر پدر یا جد پدری از ازدواج دختر با کفو ممانعت کنند، ولایت ایشان ساقط می‌شود و دختر می تواند شخصاً به نکاح خود اقدام نماید. این مسئله بین فقها اجماعی است. قانون مدنی، در صورت مخالفت ولی بدون علت موجه،

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-16]

شرط اجازه را از ولی ساقط می‌کند. از سه معنی ذکر شده برای کفائت، آنچه در این مقاله از کلمه کفائت و کفو منظور است، همان معنای دوم آن، یعنی مشخصات زوج مناسب است.

د. کفویت به عنوان مشخصات زوج مناسب: شرع مقدس در این معنا از کفائت یعنی ویژگی‌های همسر مناسب، به بیان ملاک‌هایی می‌پردازد که وجود آنها در افراد موجب اطلاق واژه زوج مناسب یا هم‌کفو می‌گردد. مفهوم کفو، امری نسبی و دارای مراتب متعددی است؛ بنابراین باید همتایی دو نفر در جمع‌بندی همه ملاک‌ها و با اولویت ارزشی آنها در نظر گرفته شود. هدف کفائت به این معنا، فقط بیان این امر است که برای انتخاب همسر مطلوب چه ملاک‌هایی را باید مورد توجه قرار داد تا در پرتو آن، سلامت، صیانت و آرام‌بخشی محیط خانواده تضمین گردد و موجبات بروز ناملایمات، تنش‌ها و مشکلات گوناگون فراهم نشود و کانون خانواده که بستر مهر، عاطفه و گرمی است، به سردی، خصومت و کینه واژگون نگردد (۳۲). در اسلام معیارهای انتخاب همسر در قالب شش دسته کلی دینداری و ایمان، ارزش‌های اخلاقی، صلاحیت خانوادگی، خصوصیات جسمانی، ویژگی‌های اجتماعی و خصوصیات اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و در منابع اسلامی در خصوص میزان اهمیت هر یک مباحثی مطرح شده است. اسلام برای معیارهای مختلف وزن یکسانی در نظر نگرفته و به نوعی به اولویت‌بندی در مورد معیارهای گوناگون پرداخته است که مهم‌ترین و اصلی‌ترین آن، دینداری و ایمان است.

دینداری و ایمان: دینداری و ایمان به خداوند از جمله معیارهایی است که رعایت آن شرط اساسی در همسرگزینی به شمار آمده است. بر این اساس، مردان و زنان مؤمن از وصلت با افراد بی‌ایمان، حتی در صورت برخورداری از سایر معیارهای همسر مطلوب، نهی شده‌اند. «وَ لَا تَنْكِحُوا ٱلْمُشْرِكَتِ حَتَّى يُؤْمِنَّ... وَ لَا تُنكِحُوا ٱلْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا...» «و با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند... و به مردان مشرک زن ندهید تا ایمان بیاورند...» (بقره/۲۲۱). منظور از ایمان در قرآن کریم، ایمان به سه اصل توحید، نبوت و معاد است که اساسی‌ترین آنها، ایمان بالله خواهد بود که اگر جامع و کامل باشد، ایمان به دو اصل دیگر را نیز کامل می‌کند (۳۳). ایمان صرف ادراک نیست، بلکه عبارت است از پذیرایی و قبول مخصوصی از ناحیه نفس نسبت به آنچه درک کرده، قبولی که باعث شود نفس در برابر آن ادراک و آثاری را که اقتضاء دارد، تسلیم شود. نشانهٔ چنین قبولی این است که سایر قوا و جوارح آدمی نیز آن را قبول نموده، مانند خود نفس در برابرش تسلیم شود (۳۴). ایمان مقتضی عمل صالح است و ما را به انجام آن وا می‌دارد. در واقع، ایمان مانند چشمه‌ای از قلب می‌جوشد، به سوی اعضا و جوارح جریان پیدا می‌کند و به صورت اعمال صالحه و حسنه ظاهر می‌شود (۳۵). در مورد ایمان به معنای اخص آن (تساوی زوجین در شیعه دوازده امامی بودن)، برخی از فقهای شیعه این شرط را در کفائت معتبر دانسته و آن را همانند اسلام شرط صحت نکاح قلمداد کرده‌اند. دسته‌ای دیگر این قید را در کفائت معتبر ندانسته و به کراهت ازدوج با غیرشیعه قائل شده‌اند. عده‌ای دیگر نیز تفصیل داده‌اند که نکاح مؤمنه با غیرمؤمن جایز نیست، اما مؤمن می‌تواند با غیرمؤمنه ازدواج کند؛ زیرا زن همواره تابع دین زوجش می‌شود (۳۶). با توجه به نقش دینداری در سعادت زندگی زناشویی، می‌توان برخورداری از انگیزه الهی در ازدواج را نخستین گام بهره مندی از ولایت خداوند و زمینه ساز تحصیل سایر معیارهای همسر مطلوب به شمار آورد (۳۷). اسلام همسانی دینی را شرط لازم برای تحقق ازدواج دائم دانسته (۳۸) و مسلمانان را از برقراری پیوند زناشویی با غیرمسلمانان بر حذر می‌دارد. از دیدگاه اسلام، علاوه بر همسانی دینی زوجین، همسانی آنان در مراتب دینداری نیز مورد توجه قرارگرفته است. چنانچه در حدیثی رسول خدا (ص) مرد مؤمن را هم‌شأن زن مؤمن و مرد مسلمان را همتای زن مسلمان قلمداد می‌کنند. در روایت دیگری از امام صادق (ع) آمده: «اگر خداوند علی (ع) را برای فاطمه نمی‌آفرید، در زمین همتایی برای او نبود» (۳۹). بر همین اساس است که قرآن می‌فرماید: «وَ لَا تَنكِحُوا ٱلْمُشْرِكَتِ حَتَّى يُؤْمِنَّ... وَ لَا تُنكِحُوا ٱلْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا...» «و با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند... و به مردان مشرک زن ندهید تا ایمان بیاورند...» (بقره/۲۲۱).

سازگاری اخلاقی به عنوان یکی از لوازم دینداری برای زوجین به شمار می‌رود؛ به این مفهوم که حکم فقهی کفائت دینی زوجین که از مسلمات فقه اسلامی است، مبنای سازگاری اخلاقی زوجین است. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۲۲۱ سوره بقره می‌فرمایند: «جمله "اولئک" اشاره به حکمت تحریم ازدواج با زنان و مردان مشرک است و آن اینکه: مشرکان به دلیل اعتقاد باطلشان و اینکه در گمراهی سیر می‌کنند ملکات رذیله‌ای که کفر و نافرمانی را در نظرها جلوه می‌دهد در آنها مستقر می‌شود و ... سپس آنها را دعوت به دوزخ می‌کنند؛ برخلاف مؤمنان که به دلیل سیر در راه ایمان و پوشیدن لباس تقوا با گفتار و کردار خویش دعوت به بهشت و آمرزش به اذن خدا می‌نمایند». پس می‌توان گفت اساس ملکات رذیله، اعتقاد به باطل و اساس گفتار و کردار نیک و پسندیده، ایمان به خداست. علامه طباطبایی، وجه دیگری از دعوت به بهشت و آمرزش را در آیه فوق بیان نموده و آن استفاده از صدر آیه است که حکم ممنوعیت اختلاط مؤمنان با کسانی را که معاشرت با ایشان انسان را از خدا دور می‌سازد و اختلاط با کسانی را که معاشرت با ایشان انسان را به خدا نزدیک کرده و موجب یاد کردن آیات الهی و مراقبت اوامر و نواهی اوست، یادآور می‌شود (۳۴). این وجه نیز تأییدی دیگر در کفائت اخلاقی زوجین مبتنی بر سازگاری‌های معرفتی و دینی است.

از روایات ائمه معصومین می‌توان به روشنی دریافت که ایمان و خلق نیکو، دو گوهر اصیل در انتخاب همسر آینده خواهد بود؛ حتی محوریت این دو خصلت نسبت به سایر اوصاف، مورد تصریح ائمه اطهار(ع) می‌باشد. امام جواد (ع) در مکاتبه‌ای، به سندهای متعدد، از جدّ اطهر خود رسول خدا (ص) نوشته‌اند: «کسی که از اخلاق و دین او راضی هستید، اگر به خواستگاری شما آمد به او پاسخ مثبت دهید وگرنه در زمین فتنه و فساد بزرگی رخ می‌دهد». کسی از محضر رسول گرامی اسلام (ص) سوال نمود: «با چه کسی ازدواج کنم؟» فرمود: «با هم‌کفوها» و پرسید: «آن‌ها چه کسانی هستند؟» حضرت دوباره فرمود: «مؤمنان برخی هم‌کفو یکدیگرند». در روایت دیگری امام باقر (ع) فرموده است: «مردی خدمت رسول خدا (ص) رسید و از ایشان درباره ازدواج مشورت خواست. حضرت به او فرمودند: ازدواج کن و حتماً همسری متدین در نظرت باشد و برای وی دعا

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-16]

نمودند» (۴۰). بر طبق این روایات، ایمان معیار و زیر بنای اصلی کفائت معرفی شده است. منظور از تدین در این معنای کفائت، تدین حقیقی است؛ یعنی کسی را متدین می‌گوییم که در همه اعمال، گفتار، اخلاق و همه امور زندگی تابع اسلام باشد.

ارزش‌های اخلاقی: پایبندی به ارزش‌های اخلاقی از جمله مهم‌ترین معیارهای همسر شایسته از دیدگاه اسلام محسوب می‌شود. از جمله ارزش‌های مهم اخلاقی، که موجب رضایتمندی زناشویی می‌گردد، حسن خلق است. به دلیل اهمیت فوق العاده این ویژگی، امام رضا (ع) ازدواج با فرد بداخلاق را روا ندانسته و از آن نهی می‌کنند. امام صادق (ع)، حسن خلق را عبارت از فروتنی، نیکو گفتاری و خوش رویی می‌دانند (۳۸). در روایتی، امام رضا (ع) یکی از اصحابش را از ازدواج دخترش با مرد بداخلاق بر حذر داشته است (۳۲). همچنین امام صادق (ع) فرمود: «چیره‌ترین دشمنان برای مؤمن، همسر بداخلاق است» و نیز فرمود: «بهترین زنان شما کسی است که چون خشم کند یا به خشمش آورند، به شوی خود گوید: دستم در دست تو؛ دیدگانم به خواب نمی‌رود تا اینکه از من راضی شوی».

از دیگر ارزش‌های اخلاقی مورد نظر اسلام در قلمرو انتخاب همسر، عفت و پاکدامنی است. عفت و پاکدامنی یک امر اخلاقی است؛ کسی که عفیف نیست، از نظر اخلاقی دچار انحطاط است. پر واضح است کسی که دچار انحطاط اخلاقی است با کسی که در مرتبه فضیلت اخلاقی است، کفائت ندارد (۳۵). در این باره پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «حیا، شعبه‌ای از ایمان است و برای کسی که حیا ندارد، ایمان نیست» و امام صادق (ع) عفیف بودن زن و مرد را، یکی از نشانه‌های هم‌کفوی بر شمرده‌اند (۳۲). از دیگر خصوصیات اخلاقی و روان‌شناختی همسر مطلوب، خصلت وفاداری است که به عنوان یکی از صفات همسر شایسته لحاظ شده و از ازدواج با ساکنان برخی از مناطق جغرافیایی، به دلیل وجود رگه‌هایی از عدم وفاداری در آنان نهی به عمل آمده است. همچنین ضمن تأکید بر ویژگی تعقل زن، از ازدواج با زنان کودن به دلیل رنج‌آور بودن معاشرت با ایشان و نیز ناتوانی آنان در تربیت صحیح فرزند جلوگیری شده است (۳۸) و نیز پرهیز از دنیا طلبی و تفاخر به جلوه‌های مادی از معیارهای زن شایسته قلمداد شده است.

اصالت خانوادگی: از جمله ملاک هایی که شرع رعایت آن را در زوجین پسندیده دانسته، اصالت خانوادگی است. در این باره امام صادق (ع) می‌فرماید: «با خانواده‌های شایسته و با اصالت وصلت کنید، چرا که عِرق (اصل و ریشه) و خصوصیات ارثی خواه ناخواه از نسلی به نسل دیگر منتقل خواهد شد» و نیز داود کرخی می‌گوید: «به امام صادق (ع) عرض کردم همسرم فوت کرد و با من سازگار و موافق بود، در نظر دارم با زنی ازدواج کنم». حضرت فرمود: «... اگر ناگزیری از انتخاب همسر، دوشیزه‌ای که او را به خیر و نیکی معرفی می‌کنند، اختیار کن». همین مطلب با تعبیر جالب دیگری از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: «از برترین زنان شما، بانویی است که ارزشش در خانواده خود بیش از ارزش او در خانواده شوهرش باشد و پست‌ترین آنان زنی است که در خانواده خویش خوار و بی‌مقدار بوده؛ آنگاه در خانواده شوهر، خود را بزرگ و عزیز انگارد و به شوی خود فخر فروشد». همچنین از وجود مبارک امام صادق (ع) روایت شده: «پیامبر گرامی اسلام (ص) در حالی که ایستاده بود و بر مردم خطبه می‌خواند، فرمود: مردم! برحذر باشید از سبزه‌ای که بر فراز مزبله و منجلاب روییده باشد. سوال شد: منظورتان چیست؟ فرمود: زنان زیبا و با جمالی که در خانواده‌ای پلید رشد کرده باشند». ازدواج با فردی از خانواده ناصالح که می‌تواند منجر به بروز تنش‌هایی در خانواده شود، به رغم برخورداری وی از جذابیت‌های جسمانی، مورد نهی منابع اسلامی قرار گرفته است. البته لازم است علاوه بر دقت در شایستگی‌های والدین، خواهران و برادران فرد مورد نظر، صلاحیت سایر بستگان مانند دایی و خاله نیز مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که از دیدگاه اولیای دین فرزندان شباهت زیادی به دایی و خاله خود دارند (۳۸).

خصوصیات جسمی: با اینکه خصوصیات جسمانی از دیدگاه اسلامی از اولویت مشابه با معیارهای دینی و اخلاقی برخوردار نیست، اما به لحاظ اهمیت، این گونه ویژگی‌ها نیز در منابع دینی مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به اینکه از دیدگاه منابع اسلامی، یکی از کارکردهای مهم تشکیل خانواده، پرورش فرزندان مؤمن است؛ یکی از ابعاد جسمانی قابل توجه در انتخاب همسر، توانایی باروری وی می‌باشد. اهمیت این ویژگی تا آنجا در منابع اسلامی مورد توجه قرار گرفته که فرد را از ازدواج با زنی که از جهت خصوصیات گوناگون دینی، اخلاقی و غیره مطلوب تشخیص داده شده، ولی نابارور می‌باشد، برحذر داشته‌اند (۳۶) همچنین در مقام مقایسه بین زیبایی ظاهری و توانمندی باروری، به گونه‌ای روشن امکان فرزندآوری زن ترجیح داده شده است (۳۸).

رسول گرامی اسلام (ص) در مقام سنجش توانمندی باروری با زیبایی و جمال فرموده است: «بدانید که زن زشت‌رویی که زایا باشد، نزد من محبوب‌تر است از خوش‌سیمایی نازا» (۳۲). زیبایی و جذابیت ظاهری، یکی از ملاک‌های مهم در پیوند ازدواج و استمرار آن است. حصول میل و علاقه متقابل و بر طرف شدن نیازهای جنسی، مبتنی بر احساس زیبایی زن و مرد نسبت به یکدیگر است (۴۱). از این‌رو، پیشوایان اسلام، زیبایی زن را به مثابه یکی از نشانه‌های همسر شایسته مورد توجه قرار داده‌اند. علی‌رغم تأکید بر اهمیت زیبایی در انتخاب همسر، مطالعه منابع دینی بیانگر این است که زیبایی زن، در مقایسه با برخی معیارهای انتخاب همسر از اهمیت کمتری برخوردار بوده و در صورت ضرورت، به گزینش یکی از آن دو، زیبایی از اولویت برخوردار نیست. چنانچه در مقایسه بین دینداری و زیبایی زن، دینداری او (۴۲) و در مقایسه بین صلاحیت خانوادگی و زیبایی زن، صلاحیت خانوادگی او و در مقایسه بین توان باروری زن و زیبایی او، توان باروری وی ترجیح داده شده است (۴۳).

در جمع‌بندی این بحث می‌توان گفت که از دیدگاه اسلام جذابیت ظاهری زن، در صورت برخورداری وی از سایر معیارهای کلیدی، ارزش و فضیلت محسوب می‌شود، حال آنکه، صرف زیبایی ممکن است زن را به تباهی کشاند. در اسلام سن مشخصی برای ازدواج پسران و دختران مقرر نشده است. اما بر حسب برخی روایات، افتادن فاصله زیاد بین بلوغ جنسی و ازدواج از نظر اولیای دین نامطلوب قلمداد شده است (۳۹). در عین حال، بر اساس منابع اسلامی ازدواج در سن پایین می‌تواند زمینه عدم سازگاری

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-16]

همسران را فراهم نماید. همچنان که ازدواج با زنان کهنسال نیز مورد نهی منابع دینی قرار گرفته است. از مطالعه منابع اسلامی، مطلبی در خصوص مطلوبیت تناسب سنی طرفین ازدواج به دست نمی‌آید، اما توصیف قرآن کریم از همسران بهشتی، که آنان را هم سن و سال شوهران خود ترسیم می‌کند، ممکن است حاکی از آن باشد که تناسب سنی می‌تواند عاملی باشد تا همسران احساسات یکدیگر را کاملاً درک کنند و زندگی با هم برای آنها لذت بخش تر باشد. «عُرُباً أَتْراباً» «زنانی که تنها به همسرشان عشق می ورزند و خوش زبان و فصیح و هم سن و سالند» (واقعه/۳۷). «وَ کَواعِبَ أَتْراباً» «و حوریانی بسیار جوان و هم سن و سال» (نبأ/۳۳).

خصوصیات اقتصادی: برخی از فقهای امامیه به دلیل این حدیث از امام صادق (ع) که فرموده: «هم‌کفوی و همسانی آن است که مرد، عفیف و پاک دامن باشد و توانایی مخارج خانواده را داشته باشد». علاوه بر اسلام و ایمان، تمکن از نفقه را در ازدواج شرط دانسته‌اند (۴۴). قائلین به قول مشهور، تمکن از نفقه را شرط کفائت دانسته‌اند. هر چند به نظر می‌رسد کفائت اقتصادی نمی‌تواند ملاک همسرگزینی در ازدواج باشد و بنابراین تأثیری در صحت آن ندارد، چون در امر مقدس ازدواج خداوند به فقرا از فضل خود وعده غنا داده است (نور/۳۲). از طرف دیگر در سیره عملی اولیای دین نه تنها به این ملاک توجه ویژه‌ای نشده بلکه کفائت با محوریت دین و اخلاق بیان گردیده است. بنابراین اگر شخصی خواستار سازگاری بیشتر در زندگی زناشویی است، می‌تواند به تحقیق این امر نیز بپردازد؛ پس اگر زن با آگاهی از فقر مرد، راضی به ازدواج با او شود، نکاح صحیح است (۴۲).

ویژگی‌های اجتماعی: با بررسی متون دینی، می‌توان دیدگاه اسلام را در خصوص اهمیت ویژگی‌های اجتماعی در همسرگزینی دریافت. از نظر اسلام، همسانی نژادی زوجین ضرورت نداشته و ازدواج دو فرد از نژادهای مختلف اشکالی ندارد. اسلام به نژاد به مثابه عاملی برای شناسایی افراد نگاه می‌کند، نه امتیاز و برتری اقوام وملل بر یکدیگر. اولیای الهی با افرادی از نژادهای دیگر ازدواج کردند؛ همچون ازدواج امام رضا (ع) با حضرت تکتم، که کنیزی از اهالی دورترین نقاط مغرب بود (۴۵) و امام عسگری (ع) با حضرت نرجس که رومی بوده‌اند (۴۳). همچنین پیشوایان دین به ازدواج‌هایی توصیه کرده‌اند که ویژگی بارز دو طرف آن تفاوت نژادی بوده است (۴۳). اسلام همسانی در طبقه اجتماعی زوجین را نیز در ازدواج ضروری نمی‌داند. این امر نیز مستند به شواهد متعددی است. از یک سو، خداوند در قرآن تقوی را ملاک کرامت افراد در نزد خود می‌داند (حجرات/۱۳). از سوی دیگر، ازدواج‌های اولیای دین با کنیزانی که با وجود رفعت علمی و معنوی، از نازل‌ترین موقعیت اجتماعی برخوردار بودند، بیانگر این مطلب است که همسانی طبقه اجتماعی، عامل بسیار مؤثری در موفقیت ازدواج به شمار نمی‌رود.

بحث و نتیجه گیری

در اسلام، بر اصل همسان همسری به عنوان معیار همسر گزینی و ضامن انسجام خانواده، در ذیل عنوان "کفویت" تأکید شده است اما دیدگاه‌های ارزشی اسلام به ارائه تعریف خاصی از همسانی زن و شوهر می‌انجامد. اصل قرار دادن همسانی دینی و ایمانی در ازدواج و تعریف جایگاه فرعی برای سایر جنبه‌های همسانی مانند همسانی قومی، نژادی و طبقاتی، نشان دهنده کوشش قانون‌گذار اسلام در جهت تغییر نگرش‌های فرهنگی نسبت به موضوع همسان همسری است. اسلام، شرط کفویت دینی و ایمانی را شرط لازم و ضروری برای زوجین می‌داند که شرط دیگری نمی‌تواند خلا وجود آن را پر کند. حتی از نظر اسلام و مخصوصاً فقه امامیه و آنچه از سنت ائمه معصومین (ع) برداشت می‌شود، کفویت دینی می‌تواند در شرایط خاصی، آثار نامطلوب ناشی از ناهمسانی در جنبه‌های دیگر مانند ناهمسانی خانوادگی و طبقاتی را محو کند.

از دیدگاه اسلام، علاوه بر همسانی دینی زوجین، همسانی آنان در مراتب دینداری نیز مورد تاکید قرار گرفته است. بر این اساس، مرد مؤمن، هم‌شأن زن مؤمن و مرد مسلمان، همتای زن مسلمان قلمداد می‌شود. علاوه بر دینداری، کفائت اخلاقی زوجین به عنوان مبنای سازگاری اخلاقی مورد توجه است. هرچند کفائت اخلاقی را می‌توان یکی از مصادیق همسانی در مراتب دینداری دانست، اما اهمیت جایگاه آن در روابط زناشویی، سبب شده است که محوریت دو خصلت ایمان و خلق نیکو نسبت به سایر اوصاف، مورد تصریح ائمه اطهار (ع) باشد.

از نظر علمای دین و فقه امامیه، در کنار معیارهای فوق، برای کفویت به مفهوم مشخصات زوج مناسب، معیارهایی مانند اصالت خانوادگی و ویژگی‌های جسمانی نیز دارای اهمیت است. اصالت خانوادگی به معنی خوش نامی و شایستگی والدین، برادران و خواهران و حتی عمو، عمه، دایی و خاله است. همچنین، توانایی باروری و فرزندآوری، مهم ترین ویژگی مورد توجه در ویژگی‌های جسمانی است. صرف نظر از موارد ذکر شده، همسانی زن و مرد در امور مختلف اجتماعی و اقتصادی هر چند به سازگاری بیشتر آنان کمک می‌کند ولی نمی‌توان آن را به عنوان ملاک لازم و قطعی در همهٔ شرایط زمانی و مکانی برای همسر مناسب در نظر گرفت. آیات قرآن، کلمات معصومان (ع) و سیره‌ی عملی اولیـای دیـن (ع) در ازدواج حـاکی از ایـن امر است کـه این ملاک نمی‌تواند به عنوان معیار انتخاب افراد به کار رود. در اینگونه موارد، باید شرایط زمانی و مکانی و شخصیت افراد داوطلب ازدواج در نظر گرفته شود. بدیهی است هرچه تشابه بیشتر باشد، فرد مورد نظر از شرایط بهتری برخوردار خواهد بود.

از طرف دیگر، روانشناسان و جامعه‌شناسان، به اهمیت همسانی دینی و ایمانی زوجین در موفقیت ازدواج و ایجاد خانواده‌ای متعالی و روابطی رضایت بخش معترفند. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که از نظر دانشمندان علوم اجتماعی، همسانی دینی، تنها یکی از عوامل همسانی زوجین –و البته عاملی مهم– در ازدواج است و در مقایسه با دیگر عوامل همسانی مانند همسانی تحصیلی، اولویت و ترجیح ویژه‌ای ندارد. به علاوه، در اکثر پژوهش‌های انجام شده، تنها رویه اولیه دینداری، یعنی تعلق خاطر گروهی (خود را در گروه خاصی از ادیان، قرار دادن و خطاب کردن)، مورد مطالعه قرار گرفته و همسانی در مراتب دینداری، کمتر مورد توجه بوده است و معدود مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که هرچه اشتراکات مذهبی زوجین بیشتر باشد، رضایت زناشویی نیز بالاتر است. البته متخصصان مسائل خانواده در حوزه‌های جامعه‌شناسی و رواشناسی معمولاً

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-16]

تأثیر منفی انواع گوناگون ناهمسانی دو زوج را به عنوان واقعیتی اجتماعی مفروض گرفته و بر این اساس، افراد را به احراز بالاترین سطوح همسانی توصیه و تشویق می‌کنند. به این ترتیب، همسانی نژادی و همسانی طبقه اجتماعی، مشابه همسانی دینی مورد تاکید این متخصصان است. در مجموع می‌توان گفت که مطالعات تجربی دانشمندان علوم روانشناسی و علوم اجتماعی، تایید کننده اهمیت کفویت -مخصوصاً کفویت دینی- در ازدواج است و آثار مفیدی مانند رضامندی زناشویی، کیفیت بهتر روابط و تربیت فرزندان بهنجار را برای آن ذکر می‌کنند. منتها جایگاهی که در اسلام به کفویت دینی و ایمانی به عنوان اساس و پایه کفویت داده شده است، در علم روانشناسی مشاهده نمی‌شود. به‌علاوه، در حالی که در رویکرد اسلامی، مراتب دینداری، کفائت اخلاقی، اصالت خانوادگی و توانایی باروری مورد توجه است، در رویکرد روانشناسی، همسانی‌های اجتماعی و اقتصادی مورد تاکید قرار می‌گیرد. در پایان ذکر این نکته ضروری است که منظور از علم روانشناسی مورد بحث در این مقاله، تنها نوع غربی آن است که ارزش‌های دینی به صورت مستقل نقشی در آن ندارند.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-16]

References

1. Sarookhani B. Sociology of Family. Soroush; 1995 [In Persian].
2. Adler R B, Towne, N. Looking out looking in. 6th ed. Orlando: Holt. Rinehart and WinstOn Inc; 1990.
3. Lutz F E. Assortative mating in man. Science. 1905; 22: 249-250.
4. Mir AhmadiZadeh A, Nakhaee Amrodi N, Tabatabai H, Shafieian R. "Marital satisfaction and factors affecting it in Shiraz." Thought and behavior. 2003; 8(4): 56-63 [In Persian].
5. Soleimanian A. The examination of the effects of irrational thoughts (the cognitive approach) on marital non-satisfaction. [MSc thesis]. [Tehran]: Tarbiat Moalem University; 1995 [In Persian].
6. Brynin M, Longhi S, Perez AM. The social significance of homogamy. ISER Working papers. 2008; 32(7). Available: http://www.iser.essex.ac.uk/public- ations/working-papers /iser/2008-32.pdf.
7. Grames H A, Miller R B, Robinson W D, Higgins D J, Hinton W J. A test of contextual theory: The relationship among relational ethics, marital satisfaction, health problems, and depression. Contemporary Family Therapy: An International Journal, 2008; 30: 183-198.
8. Hagedoorn M, Kuijer R G, Buunk B P, DeJong G M, Wobbes T, Sanderman R. Marital satisfaction in patients with cancer: Does support from intimate partners benefit those who need it the most?. Health Psychology. 2000; 19: 274-282.
9. Lawrence E, Rothman A D, Cobb R J, Rothman M T, Bradbury T N. Marital satisfaction across the transition to parenthood. Journal of Family Psychology. 2008; 22(1): 41-50.
10. Heaton T B. Religious homogamy and marital satisfaction reconsidered. Journal of Marriage and the Family. 1984; 46: 729-733.
11. Glenn N D. Interreligious marriage in the United States: Patterns and recent trends. Journal of Marriage and the Family. 1982; 44(3): 555-566.
12. Ortega S T, Whitt H P, Williams JA. Religious Homogamy and Marital Happiness. Journal of Family Issues. 1988; 9(2): 224-239.
13. Heaton T B, Pratt E L. The effects of religious homogamy and marital satisfaction and stability. Journal of Family Issues. 1990; 11: 191-207.
14. Lehrer E L, Chiswick CU. Religion as a determinant of marital stability. Demography. 1993; 30(3): 385-404.
15. Rinelli L N August). Explaining the difference in physical violence between married and cohabiting couples: The role of mismatching and status incompatibility. Paper presented at the American Sociological Association 2006 annual meeting, Montreal, Canada.
16. Katerndahl D A, Obregon M L. An exploration of the spiritual and psychosocial variables associated with husband-to-wife abuse and its effect on women in abusive relationships. International Journal of Psychiatry in Medicine. 2007; 37(2): 113-128.
17. Petts R J, Knoester C. Parents' religious heterogamy and children's well-being. Journal for the Scientific Study of Religion. 2007; 46(3): 373-389.
18. Sullivan K T. Understandingthe relationship between religiosity and marriage: An investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples [Electronic version]. Journal of FamilyPsychology. 2001; 15(4): 610-626.
19. Petts R J. Parental Religiosity, Religious Homogamy, and Young Children's Well-Being. Sociology of religion, 2011; 72(4): 389-414.
20. David P, Stafford L. A Relational Approach to Religion and Spirituality in Marriage The Role of Couples' Religious Communication in Marital Satisfaction. Journal of Family Issues. 2013; 0192513X13485922.
21. Cindy L. Religious Homogamy Revisited: A Study of its Mechanisms and Effects on Dating and Married Christian Couples [Thesis]. [China]: University of Hong Kong; 2013. 139p.
22. Myers S M. Religious Homogamy and Marital Quality: Historical and Generational Patterns, 1980 – 1997, Journal of Marriage and Family, 2006; 68(2): 292–304.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-16]

23. Fowler C. The Role of Religious Affiliation and Attitudes in Marriage Maintenance Strategies; 2014. All Graduate Theses and Dissertations. Paper 2125.
24. Lester A M. Religious similarity and relationship quality [Dissertation]. [Columbia]: University of Missouri; 2013. http://hdl.handle.net/10355/42963
25. Bereczkei T, Csanaky A (1996) Mate choice, marital success, and reproduction in a modern society. Ethol Sociobiol 17: 17–35.
26. Mascie-Taylor C G N Vandenberg S G. Assortative mating for IQ and personality due to propinquity and personal preference. Behavior Genetics. 1988; 18: 339- 345.
27. Weisfeld GE, Russell RJH, Weisfeld CC, Wells PA. Correlates of satisfaction in British marriages. Ethol Sociobiol. 1992; 13: 125–145.
28. Bumpass L L, Sweet J A. Differentials in marital instability: 1970. American Sociological Review. 1972; 37(December): 754-766.
29. Teachman J D. Methodological issues in the analysis of family formation and dissolution. Journal of Marriage and the Family. 1982; 44 (4): 1037-1053.
30. Huber S, Fieder M. Educational Homogamy Lowers the Odds of Reproductive Failure. PlosOne. 2011; 6(7): 1-6.
31. Bankipour A, The beginning of Love,. Isfahan: Hadis rahe eshgh; 2010 [In Persian].
32. Hedayati A. Kufwiat in the marriage at the zone of Islamic Fegh-h and iran law. Qom. Boostan Ketab; 2010 [In Persian].
33. Mesbah Yazdi M.. Ethics in the Quran Qom. Moassesh Amouzeshi va Pazhooheshi Imam Khomeini; 2005 (1) [In Persian].
34. Tabatabaee M H. Almizan fi Tafsir Quran. (translator: Mousavi Hamadani M B). Entesharat Jame-e Modaresin; 1984 (2) [In Persian].
35. Beheshti A. Khanevade da Quran. Qom. Boostan Ketab; 2008 [In Persian].
36. Najafi M H. Jawaherolkalam fi Sharhe Sharyeol Islam. Tehran. Darol Kotobel Islamiah; 1989 (29,30) [Arabic].
37. Mohamadi Reyshahri, Family tribute to the Holy Quran and Hadith (translator: Sheikhi H). Qom. Darol-hadis; 1999 [Arabic].
38. Khomeini R. Tahrirol Vasileh. Tehran. Manshoorat Maktabat Etemadol Kazemi; 1987 (2) [Arabic].
39. Koleini M Y. Al-Kafi. Tehran. Darol Kotobel Islamiah; 1986 (1,2,5) [Arabic].
40. Horre Ameli M H. Vasyeloshieh. Qom. Aalolbat le Ehyaet-toras; 1991 (14) [Arabic]..
41. Salarifar M. Family attitudes toward Islam and Psychology Qom. Pazhoheshgah Howze va Daneshgah; 2006 [In Persian].
42. Ameli S Z A. Ar-rowzatol Bahia fi Sharhel Lomatad Dameshghia. Qom. Davari; 1989 (5) [Arabic].
43. Majlesi M B. Beharol Anwar. Bayrot. Moassesatol Wafa; 1982 (1,51,57) [Arabic].
44. Toosi M H. Tahzibol Ahkam fi Sharhel Moghnah. Teharn. Darol Kotobel Islamiah; 1986 [Arabic].
45. Sadoogh M A. Man la Yahzorohol Faghih. Qom. Jame-e Modaresin Hoze Elmye; 1983 (1) [Arabic].

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-16]

Islam and Health Journal
Babol University of Medical Sciences

Babol Univ. of Med. Sciences
Islam and Health Journal/ 2014; 1(3): 50-60

Homogamy in psychology and its comparison to the concept of Kufwiat in Fegh-h

Received: 24 Aug 2014 Accepted: 19 Dec 2014

Hasheminejad SS (MA)[*]
Faghihi A (PhD)[1]
Hosseini SH (PhD)[2]
Sakhaei SM (PhD)[3]

1. Department of Theology, Babol Islamic Azad University, Babol, Iran
2. Department of Psychiatry, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran
3. Department of Medical Engineering, Babol University of Technology, Babol, Iran

[*]**Corresponding Author:**
Hasheminejad SS

Tel: +98 11 32339214
Fax: +98 11 32339214
Email: somayeh09460@gmail.com

Abstract

Introduction: Marriage is a critical step towards the achievement of individual and collective human perfection. Homogamy is a common feature advised for the mate selection in religion and psychology. The aim of this study was to investigate the rank of Homogamy in Fegh-h and compare it with psychology.

Methods: This analytical and documental study was conducted through referring to the scientific and religionious documents such as released articles and Fegh-h books.

Findings: The results showed that first, the homogamy is an acceptable theory among psychologists.second, religious homogamy is paid attention more than other aspects of homogamy by the psychologists. On the other hand, Kufwiat in Fegh-h is more slightly similar to the homogamy in psychology and Fegh-h does not permit the marriage with a person who is not considerd as a religious Kufw.

Conclusion: A comparison between psychologists and jurists ideas indicated firstly that the study of psychologists confirmed the importance of Kufwiat especially faith one and mentioned the useful works. Second, the Shiite jurists have suggested that some of the criteria can be ignored provided that the main criteria are fulfilled, while this prioritizing was not seen in the study of psychologists.

Keywords: Marriage, Mate selection, Homogamy, Marital Satisfaction, Psychology

[Downloaded from iahj.ir on 2026-11-16]